

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

نقش دانشگاه در افزایش میزان مطالعه کتاب از دیدگاه دانشجویان

سید عباس رضوی^۱

غلامحسین رحیمی دوست^۲

تاریخ وصول: ۸۶/۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۸۷/۵/۳۰

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش دانشگاه در افزایش میزان مطالعه کتاب از دیدگاه دانشجویان انجام شده است. بدین منظور از میان دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز نمونه‌ای به حجم ۲۶۳ نفر انتخاب شدند. روش پژوهش زمینه‌یابی بود و داده‌های مورد نیاز برای پژوهش با استفاده از یک پرسشنامه ۱۳ سؤالی جمع‌آوری شد ($\alpha=0/80$). با استفاده از روش‌های توصیفی و استنباطی نظیر تحلیل واریانس یک‌راهه، همبستگی پیرسون، همبستگی اسپیرمن و آزمون ویلکاکسون داده‌ها تحلیل شدند. نتایج نشان داد که به طور کلی دانشگاه "تاحدودی" در ارتقای میزان کتابخوانی دانشجویان نقش دارد. همچنین میزان مطالعه افراد پس از ورود به دانشگاه کاهش یافته است. نتایج دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که بین نگرش دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره و کتابداری در زمینه نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوتی وجود ندارد. یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد که بین نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوتی وجود ندارد. در ضمن تفاوتی بین نگرش دانشجویان کارشناسی ارشد و دانشجویان کارشناسی در مورد نقش دانشگاه در کتابخوانی مشاهده نشد. بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان، و میزان تحصیل آنان در دانشگاه با نگرش آنان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی نیز رابطه‌ای به دست نیامد. لیکن بر اساس یافته‌های دیگر پژوهش بین علاقه به رشته تحصیلی و نگرش نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه مستقیمی وجود دارد.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

۲- عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

واژگان کلیدی: مطالعه، کتاب، کتابخوانی، فرهنگ مطالعه، نقش دانشگاه، نگرش

دانشجویان.

مقدمه

بدون شک پیشرفت و توسعه هر ملت و کشور وابسته به نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده آن می باشد. نیروی انسانی سرمایه‌ای است که تقریباً با هیچ ثروتی قابل مقایسه نیست. بر مبنای این اصل است که امروزه پیشرفت آتی هر کشور را نه بر مبنای ثروت های مادی موجود (معمولاً خدادادی) آن کشور بلکه بر مبنای توسعه یافتگی نیروی انسانی آن پیش بینی می کنند. اختراعات، اکتشافات، و نوآوری ها که امروزه همگی به عنوان قدرت یک کشور قلمداد می گردد، تا حد زیادی نتیجه آموزش است. در این بین آموزش عالی به طور کلی و دانشگاه بطور خاص نقش حساس و بنیادی بر عهده دارند. دانشگاه در تربیت افرادی که خلاقند، خوب می اندیشند و قابلیت حل مسایل پیش روی را دارند نقشی بنیادی بر عهده دارد. در ضمن دانشگاه قابلیت ایجاد عادات، اندیشه ها و مهارت هایی اساسی در افراد را دارد. یکی از این مهارت ها، مطالعه و کتابخوانی می باشد. از سوی دیگر هر فرد نیازمند کسب شناخت و آگاهی است و خواندن کتاب سبب دانایی، استحکام عقاید، اعتماد به نفس، آرامش، لذت، سرگرمی و ... فرد می شود (اشرفی ریزی، ۱۳۸۳). در نتیجه مطالعه و کتابخوانی افراد، به رشد فکری، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه می انجامد (گلچوبی، ۱۳۸۴). اهمیت کتاب به عنوان منبعی ارزشمند برای شناخت تا حدی است که خداوند در قرآن (کتاب الهی مسلمانان جهان)، به کتاب سوگند یاد کرده است. همچنین ائمه و بزرگان نیز راجع به کتاب احادیث و گفته های گرانبهایی بیان داشته اند. به طور مثال حضرت علی (ع) می فرماید: "کتاب خوب غذای روح بشر است". پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز فرموده اند: "دانش و علم را با تدوین و نگارش به ثبت برسانید". همچنین نویسندگان و دانشمندان نیز اهمیت کتابخوانی را متذکر شده اند. به عنوان مثال بیهقی اظهار می دارد که هیچ کتابی نیست که به یک بار خواندن نیاززد. دنیس دیدرو دانشمند فرانسوی می گوید: "هنگامی که مردم از کتاب خواندن باز می مانند، از فکر کردن باز

مانده اند". این گفته بیانگر آن است که کتاب خواندن زمینه ای برای اندیشیدن و به تبع آن تولید اندیشه است (قربانعلی زاده، ۱۳۷۹).

بر اساس منشور کتاب که در سال ۱۹۷۱ در بروکسل به تصویب "کمیته حمایت از سال بین المللی کتاب" رسیده و در سال ۱۹۷۲ منتشر شده است، مطالعه به عنوان یکی از حقوق مسلم هر فرد قلمداد شده و کتاب به عنوان رسانه ای لازم برای آموزش معرفی گردیده است. بنابراین پیشبرد برنامه های ترویج کتابخوانی در سطوح مختلف اعم از محلی، منطقه ای و یا ملی به یاری اقدامات مداوم یا مقطعی با پشتیبانی از نیروهای مختلف از جمله سیاست هایی است که کشورهای جهان باید اتخاذ کنند (گارثون، ترجمه پوینده ۱۳۷۷).

آمارها نشان دهنده آن است که میزان مطالعه کتاب نزد مردم چندان زیاد نیست. به علاوه، کتابخوانی در بین تحصیل کردگان نیز از وضعیت قابل قبولی برخوردار نیست. بر اساس نظر سنجی مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، که در سال ۱۳۸۲ در میان ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های تهران انجام شده است، ۶۲/۳ درصد دانشجویان کمتر از یک ساعت در شبانه روز مطالعه می کنند. بسیاری از دانشجویان علل این امر را کمبود وقت، درصد حجم زیاد تکالیف دانشگاهی و گرانی کتاب دانسته اند (اشرفی ریزی، ۱۳۸۳). اگر بخواهیم نگاهی مقایسه ای داشته باشیم باید گفت آمارهای موجود در کشور ما گویای این واقعیت است که ۳۰ درصد از دانش آموزان و دانشجویان کشور ما مطالعه می کنند که این در مقایسه با وضعیت مطالعه در کشورهای پیشرفته دنیا نگران کننده است (امانی، ۱۳۸۰). نه تنها در بعد کمی بلکه در بعد کیفی نیز شواهدی در دست است که نشان می دهد کیفیت مطالعه در نزد افراد پایین است. برای مثال، در پژوهشی که شعبانی و شفیع پور مطلق (۱۳۸۱) انجام داده اند به این نتیجه رسیده اند که میزان آگاهی دانشجویان از شیوه های مطالعه ضعیف است و کم بودن آگاهی دانشجویان از شیوه های مطالعه از عوامل مؤثر در افت تحصیلی نظام آموزشی محسوب می شود.

عادت به مطالعه همانند بسیاری از عادت های دیگر در دوران کودکی شکل می گیرد و به همین دلیل آموزش مطالعه کتابخوانی به مثابه امری سرنوشت ساز می باشد. پژوهشهای

انجام شده نشان می‌دهد که پدر و مادر می‌توانند نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری عادت به مطالعه در کودکان، نوجوانان و جوانان (دانش‌آموزان، دانشجویان) خود داشته باشند (محسنی کبیر و قدس، ۱۳۷۵). به علاوه، ایجاد عادت به مطالعه و گرایش مردم به مطالعه بستگی به موارد متعددی دارد که اهم آنها عبارتند از: سطح سواد و آموزش، توسعه اقتصادی، آداب و سنن خانوادگی و فرهنگی، نظام آموزشی، ادراک و دید سیاسی، نظام کتابخانه‌ها، و نوع و الگوی انتشارات (اصغرنژاد، ۱۳۸۰). که در این میان نظام آموزشی اعم از مدارس و مراکز آموزش عالی مانند دانشگاه‌ها در بهبود وضعیت مطالعه کتاب اهمیت ویژه‌ای دارند. برای مثال، دیانی (۱۳۷۷) با نظر سنجی از دانشجویان درباره جایگاه منابع اطلاعاتی در فرآیند یادگیری، به این نتیجه دست یافت که دانشجویان کتاب درسی، محتوی کلاس‌ها، جزوات و کتابخانه را به ترتیب در رتبه‌های اول تا چهارم به عنوان منابع اطلاعاتی پر ثمر در یادگیری ذکر کرده‌اند. بنابراین نقش کتاب در فرآیند آموزش به صراحت مشاهده می‌شود.

برنامه‌های درسی مراکز آموزشی باید به بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی از جمله کتابهای مختلف توجه کافی مبذول دارند. دانش‌آموزان و دانشجویان نباید صرفاً با خواندن جزوه یا کتاب درسی تحصیل خود را به پایان برسانند. در این میان آنان باید با کتابخوانی بینش مناسب و مهارت کافی برای رویارویی با مسائل زندگی را کسب کنند. تایه گیوی (۱۳۷۶) با بررسی کتاب و کتابخوانی در مدارس به این نتیجه می‌رسد که پیشرفت دانش‌آموزان به تکلیف درسی می‌گذرد و دانش‌آموزان کمتر مورد تشویق و ترغیب جهت مطالعه کتب غیردرسی واقع می‌شوند. این یافته تأکید نظام آموزشی را بر فرصت‌های محدود آموزشی نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر در فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان محرکی برای کسب اطلاعات از سایر منابع اطلاعاتی مانند کتاب‌های غیردرسی نمی‌یابند و از این رو سعی دارند تا خواسته نظام آموزشی را برآورده کنند. به نظر می‌رسد حتی در نظام آموزش عالی هم تأکید بر کتاب‌های درسی وجود دارد و روش‌های آموزشی مشوق بهره‌گیری از منابع چندگانه برای آموزش و یادگیری نیستند.

چپمن^۱ (۱۹۷۰ نقل از رویل^۲، ۱۹۸۱) معتقد است کسانی که از کتابخانه ها استفاده نمی کنند، دانشجویانی هستند که فقط در کلاس ها حضور دارند، درس ها را می گذرانند و کتابهای خاصی را مطالعه می کنند... این شیوه نمی تواند آنها را به افرادی مستقل تبدیل کند که ناچارند در شرایط پیش بینی نشده ای به حل مشکلات و تصمیم گیری های خاصی بپردازند. افزون بر این، امروزه برای کتابخانه های دانشگاهی جایگاه خاصی در جریان آموزش - یادگیری در نظر گرفته می شود. به عبارت دیگر، نقش منفعل کتابخانه که عمدتاً به تهیه، سازماندهی و نگهداری مواد می پردازد به نقش فعالی که در آن کتابخانه مرکزی برای یادگیری است متحول می شود. شورز^۳ (۱۹۷۰) ادعا می کند که کتابخانه دانشگاهی در حقیقت تجلی یادگیری مستقل است (پریخ، ۱۳۷۷).

مدرسه و دانشگاه می توانند نقش مؤثری در ایجاد عادت مطالعه و افزایش انگیزه مطالعه به ویژه مطالعه کتاب در افراد ایجاد کنند. دانشگاه به عنوان یک مرکز آموزش عالی که انتظار می رود محلی برای تولید علم و دانش باشد، باید بتواند دانشجویان را به سوی مطالعه بیشتر سوق دهد. بریویک^۴ (۱۹۹۲) معتقد است که در تدریس منبع گرا دیوارهای کلاس درس به عقب رانده شده و دانشجویان فرصت استفاده از انواع منابع اطلاعات به شکل های مختلف را دارند. منظور وی از تدریس منبع گرا، تدریسی است که یادگیرندگان را به مطالعه منابع بیشتر ترغیب می کند.

احمدی و دهبانی (۱۳۷۷) میزان مطالعه دانشجویان را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده اند که اغلب پاسخ دهندگان (۵۱ درصد) امکانات کتابخانه دانشگاه را در زمینه کتب درسی در حد کم دانسته اند و همچنین غالباً (۴۵ درصد) میزان ترغیب استادان جهت مطالعه کتب غیردرسی را نیز در حد کم بیان نموده اند. با توجه به بررسی کلی نظرات و نگرش دانشجویان در امر مطالعه کتب درسی و غیردرسی به نظر می آید فراهم آوردن امکانات و نیز ترغیب و تشویق دانشجویان از عناصر مهم جهت هدایت دانشجویان به امر مطالعه می باشد. این یافته بر نقش عواملی چون استادان در افزایش میزان کتابخوانی تأکید

1. Chapman
3. Shores

2. Revill
4. Breivik

دارد. این یافته نه تنها در مورد دانشجویان به دست آمده است بلکه دانش آموزان نیز عقیده دارند که معلمشان نقش مؤثری در علاقه‌مندی آنان به مطالعه داشته‌اند (سالاری و همکاران، ۱۳۷۰؛ منشی زادگان، ۱۳۷۵؛ اخوان بهابادی، ۱۳۷۵).

در پژوهش سالاری و همکاران (۱۳۷۰) دانش آموزان علاوه بر والدین و معلمان، به نقش دوستان در افزایش علاقه‌شان به مطالعه اشاره کردند و نیز مسابقات کتابخوانی و شرکت در اداره کتابخانه را از عوامل مؤثر در این امر دانستند. این یافته مؤید این نکته است که مشارکت یادگیرندگان در فعالیت‌هایی که با کتاب و کتابخوانی سر و کار دارد و نیز عواملی مانند دوستان سبب بهبود وضعیت کتابخوانی آنان می‌شود. علاوه بر موارد یاد شده، ارج و قرب نهادن به مطالعه و اهل مطالعه توسط مردم و مسئولین، همچنین تغییر نگاه نسبت به مطالعه و تلقی فرایند مطالعه به عنوان یک کار و فعالیت ارزشمند نیز می‌تواند سبب شود افراد گرایش بیشتری به مطالعه و کتابخوانی داشته باشند (سلیمانی، ۱۳۸۱). همچنین ابوبکار و تالیف^۱ (۱۹۹۹، نقل از قریشی، ۱۳۸۳) بر اساس نتایج پژوهش خود اظهار می‌دارند دانشجویانی که زمان بیشتری را صرف مطالعه می‌کنند، دارای نگرش خواندن مثبت و قوی تری هستند. همچنین عواملی مانند سن، تعداد دفعات استفاده از کتابخانه دانشگاه، دسترسی به مواد خواندنی و برنامه کلاسی تاثیر زیادی بر نگرش خواندن دانشجویان دارند.

پژوهش‌های انجام شده که نشان می‌دهند که آموزش شیوه‌های مطالعه و یادگیری بر عملکرد خواندن و درک مطلب یادگیرندگان تأثیر می‌گذارد (بابانژاد قصاب، ۱۳۷۵؛ متولی، ۱۳۷۲؛ ملک پور ندیمی، ۱۳۷۹؛ منورس، ۱۹۹۳). در حقیقت بهبود روش مطالعه دانش آموزان و دانشجویان می‌تواند پیشرفت تحصیلی آنان را بهبود بخشد. مراکز آموزشی می‌توانند با طرح تدابیری، در قالب برنامه‌های آموزشی مستقیم (مانند ارائه درس‌هایی که مهارت‌های افراد را در زمینه مطالعه و یادگیری ارتقا می‌دهد) و یا در قالب برنامه‌های غیرمستقیم رفتار کتابخوانی دانش آموزان و دانشجویان را بهبود بخشند. همانند هر مهارت دیگر، مهارت‌های مطالعه در دانشگاه‌های معتبر دنیا به عنوان یک واحد درسی تدریس

1. Abu Bakar & Talif

می‌شود (ریبعی، یاوری و یوسفیان، ۱۳۸۱). اما در دانشگاه‌های کشورمان، برای آموزش مهارت‌های مطالعه به دانشجویان برنامه‌های مشهودی تدارک دیده نشده است. البته در برخی از مراکز آموزش عالی درسی تحت عنوان شیوه‌های مطالعه در رشته‌های خاصی چون کتابداری برای دانشجویان پیش‌بینی شده است و از جمله دروس اختیاری است که به دانشجویان ارائه می‌شود. به نظر می‌رسد دانشجویان و دانش‌آموزان هر چه بیشتر تحصیل می‌کنند نیاز به مطالعه بیشتری دارند. منشی‌زادگان (۱۳۷۵) افزایش سطح تحصیلات را موجب افزایش مطالعه می‌داند. افزایش مطالعه به ویژه مطالعه کتاب و کتابخوانی همان‌طور که پیش از این گفتیم رشد همه‌جانبه کشور و دستیابی به توسعه پایدار را تسهیل می‌کند. اما مسأله‌ای که محور این پژوهش را تشکیل می‌دهد آن است که دانشگاه تا چه اندازه در بهبود وضعیت کتابخوانی دانشجویان نقش دارد و این نقش چگونه تحت تأثیر عوامل دیگر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر عواملی از قبیل استادان، برنامه‌های آموزشی، دوستان دانشگاهی، کتابخانه‌های دانشگاهی، فعالیتهای فوق برنامه و انجمن‌های دانشگاهی چه نقشی در ترغیب و سوق دادن دانشجویان به مطالعه کتاب دارند.

هدف‌های پژوهش

- ۱- بررسی نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی.
- ۲- بررسی رابطه بین پیشرفت تحصیلی، میزان تحصیل در دانشگاه و علاقه به رشته تحصیلی با نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی.
- ۳- بررسی نگرش دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره و کتابداری نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی.
- ۴- مقایسه نگرش دانشجویان کارشناسی با کارشناسی ارشد در زمینه نقش دانشگاه در کتابخوانی.
- ۵- مقایسه بین میزان کتابخوانی دانشجویان قبل و بعد از ورود به دانشگاه.

سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیا بین نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوتی وجود دارد؟
- ۲- آیا بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان و نگرش آنان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۳- آیا بین نگرش دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره و کتابداری در زمینه نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوتی وجود دارد؟
- ۴- آیا بین نگرش دانشجویان کارشناسی ارشد نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی و نگرش دانشجویان کارشناسی در این مورد تفاوتی وجود دارد؟
- ۵- آیا بین میزان تحصیل در دانشگاه و نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۶- آیا بین علاقه به رشته تحصیلی و نگرش نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۷- آیا بین میزان کتابخوانی دانشجویان قبل و بعد از ورود به دانشگاه تفاوتی وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوتی وجود دارد.
- ۲- بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان و نگرش آنان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه مستقیمی وجود دارد.
- ۳- بین نگرش دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره و کتابداری در زمینه نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوتی وجود دارد.
- ۴- دانشجویان کارشناسی ارشد نسبت به دانشجویان کارشناسی در مورد نقش دانشگاه در کتابخوانی نگرش بهتری دارند.

- ۵- بین میزان تحصیل در دانشگاه و نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه مستقیمی وجود دارد.
- ۶- بین علاقه به رشته تحصیلی و نگرش نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه مستقیمی وجود دارد.
- ۷- بین میزان کتابخوانی دانشجویان قبل و بعد از ورود به دانشگاه تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر از روش زمینه یابی استفاده شد.

جامعه و نمونه آماری

آزمودنی های این پژوهش دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۶ - ۱۳۸۵ بودند. حجم نمونه این پژوهش ۲۶۳ نفر بود که از بین ۸۰۰ دانشجو به صورت تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. بدین ترتیب ۱۰۰ دانشجوی علوم تربیتی، ۷۳ دانشجوی روانشناسی، ۳۷ دانشجوی مشاوره و ۵۳ دانشجوی کتابداری انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

ابزار این پژوهش پرسشنامه ای با عنوان " نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی " شامل ۱۳ سؤال بود که از آنها خواسته شد تا مهارت های مطالعه و یادگیری خود را به صورت یک مقیاس درجه بندی از خیلی کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد مشخص کنند. برای بررسی روایی این ابزار از نظر متخصصان استفاده شد. اجرای آزمون آلفای کرانباخ نشان داد که پرسشنامه مورد استفاده از پایایی بالایی برخوردار است ($\alpha=0/80$).

شیوه اجرا

پس از آن که پرسشنامه "نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی" تهیه شد، در اختیار اعضای نمونه پژوهش قرار گرفت تا به آن پاسخ دهند. پس از جمع آوری پرسشنامه، با استفاده از امکانات کامپیوتری نمره گذاری شدند تا برای تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گیرند.

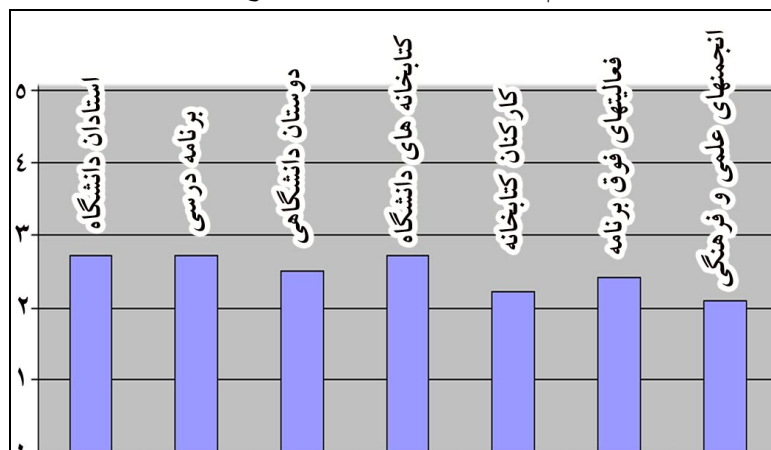
یافته‌های پژوهش

پس از آن که داده‌ها جمع آوری شد، با استفاده از نرم افزار SPSS (نگارش ۱۳) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابتدا با استفاده از روش های آماری توصیفی همان طور که در جدول (۱) مشاهده می شود، نقش دانشگاه (متشکل از عناصر مختلفی چون استادان، برنامه درسی، دوستان دانشجویان، کتابخانه های دانشگاهی و کارکنان آنها، فعالیت های فوق برنامه، انجمن های علمی و فرهنگی دانشگاه) در افزایش سطح کتابخوانی دانشجویان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول (۱) - نقش هر یک از مولفه های دانشگاهی در افزایش میزان کتابخوانی دانشجویان

عناصر دانشگاه	میانگین	انحراف استاندارد
استادان دانشگاه	۲/۷۳	۱/۰۸۵
برنامه درسی	۲/۷۳	۱/۰۴۶
دوستان دانشگاهی	۲/۵۱	۱/۰۴۴
کتابخانه های دانشگاهی	۲/۷۳	۱/۰۵۳
کارکنان کتابخانه	۲/۲۲	۱/۰۳۸
فعالیت های فوق برنامه	۲/۴۲	۱/۱۱۹
انجمن های علمی و فرهنگی	۲/۱۰	۱/۰۶۳

نمودار (۱) - نقش عناصر نظام آموزشی دانشگاه در ارتقای سطح کتابخوانی دانشجویان



همان گونه که در جدول و نمودار فوق مشاهده می شود، از نظر دانشجویان استادان دانشگاه، کتابخانه های دانشگاهی و برنامه درسی در مقایسه با سایر عناصر، نقش بیشتری در ارتقای رفتار کتابخوانی دانشجویان داشته اند و کمترین نقش به انجمن های علمی و فرهنگی دانشگاه نسبت داده شده است. برای تفسیر نتایج به دست آمده از جدول (۲) استفاده می کنیم.

جدول (۲) - ملاکی برای تفسیر داده های پژوهش در قالب طیف لیکرت

خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد
۰-۰/۹۹	۱-۱/۹۹	۲-۲/۹۹	۳-۳/۹۹	۴-۴/۹۹

با مقایسه میانگین های به دست آمده برای عناصر دانشگاه (جدول ۱) با جدول شماره (۲) می توان دریافت که از نظر دانشجویان، دانشگاه (شامل استادان، برنامه درسی، دوستان، کتابخانه، کارکنان کتابخانه، فعالیت های فوق برنامه و انجمن ها) "تا حدودی" در افزایش میزان کتابخوانی دانشجویان تأثیر داشته است. میانگین هیچ یک از موارد فوق از ۳ بالاتر نیست (به نمودار ۱ نگاه کنید).

فرضیه اول: بین نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوتی وجود ندارد.

ابتدا نمرات عواملی از قبیل استادان، برنامه درسی، دوستان دانشگاهی، کتابخانه، کارکنان کتابخانه، فعالیت های فوق برنامه، و انجمن های علمی و فرهنگی که همگی در این تحقیق مؤلفه های دانشگاه در نظر گرفته شده اند، با یکدیگر ترکیب شدند تا یک نمره کلی برای متغیری با عنوان "نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی" به دست آید. برای آزمون این فرضیه که در واقع مقایسه میانگین هاست، از روش تجزیه و تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد.

جدول (۳) - میانگین نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دانشجویان دختر	۱۸۵	۲۰/۳	۵/۹
دانشجویان پسر	۷۵	۲۰/۵	۵/۶
کل	۲۶۰	۲۰/۳	۵/۸

آزمون یکسانی واریانس نشان داد که استفاده از آزمون تحلیل واریانس برای تحلیل داده های به دست آمده امکان پذیر است.

جدول (۴) - مقایسه دانشجویان دختر و پسر در نگرش آنان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی

معناداری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۷۷	۰/۰۹	۳	۱	۳	بین گروه ها
		۳۳/۸	۲۵۸	۸۷۳۲/۸	درون گروه ها
			۲۵۹		جمع

از جدول (۴) می توان دریافت که نسبت F در مقایسه دو گروه معادل ۰/۰۹ است که از نظر آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت بین دانشجویان دختر و پسر در زمینه نگرش آنان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه دوم: بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان و نگرش آنان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه مستقیمی وجود دارد.

برای تحلیل فرضیه دوم از روش همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول (۵) - رابطه بین متغیرهای پیشرفت تحصیلی و نگرش دانشجویان نسبت

به نقش دانشگاه در کتابخوانی

مقدار معناداری	ضریب همبستگی	تعداد
۰/۱۵۱	۰/۰۶۹	۲۲۴

در جدول فوق مشاهده می شود که ضریب همبستگی برابر با ۰/۰۶۹ و مقدار معناداری ۰/۱۵۱ است. چون مقدار معناداری از مقدار خطا ($\alpha = ۰/۰۵$) بیشتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان و نگرش آنان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی همبستگی وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین نگرش دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره و کتابداری در زمینه نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوتی وجود ندارد. برای آزمون این فرضیه نیز از روش تجزیه و تحلیل واریانس یکراهه استفاده شد.

جدول (۶) - میانگین نگرش دانشجویان رشته‌های مختلف نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی

رشته	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
علوم تربیتی	۹۸	۲۰/۵	۵/۳
روانشناسی	۷۳	۱۹/۹	۶/۲
مشاوره	۳۷	۲۰/۱	۶/۲
کتابداری	۴۰	۲۰/۲	۶/۰
کل	۲۴۸	۲۰/۲	۵/۸

آزمون یکسانی واریانس نشان داد که استفاده از آزمون تحلیل واریانس برای تحلیل داده‌های به دست آمده امکان‌پذیر است.

جدول (۷) - مقایسه نگرش دانشجویان رشته‌های مختلف نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی

مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	معناداری
۱۴/۵	۳	۴/۸	۰/۱۴۱	۰/۹۴
۸۳۶۸/۵	۲۴۴	۳۴/۳		
۸۳۸۲/۹	۲۴۷			
جمع				

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، نسبت F در مقایسه چهار گروه، معادل ۰/۱۴۱ است که از نظر آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین نگرش دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره و کتابداری نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه چهارم: دانشجویان کارشناسی ارشد نسبت به دانشجویان کارشناسی در مورد نقش دانشگاه در کتابخوانی نگرش بهتری دارند.
برای آزمون این فرضیه نیز از روش تجزیه و تحلیل واریانس یکراهه استفاده شد.

جدول (۸) - میانگین نگرش دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی

مقطع تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
کارشناسی	۲۴۶	۲۰/۴	۵/۹
کارشناسی ارشد	۱۷	۲۰/۷	۴/۷
کل	۲۶۳	۲۰/۴	۵/۸

آزمون یکسانی واریانس نشان داد که استفاده از آزمون تحلیل واریانس برای تحلیل داده های به دست آمده امکان پذیر است.

جدول (۹) - مقایسه دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در نگرش آنان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی

مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	معناداری	
۱/۸	۱	۱/۸	۰/۰۵	۰/۸۲	بین گروه ها
۸۸۵۰/۴	۲۶۱	۳۳/۹			درون گروه ها
۸۸۵۲/۲	۲۶۲				جمع

از جدول (۹) می توان دریافت که نسبت F در مقایسه دو گروه معادل ۰/۰۵ است که از نظر آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت بین نگرش دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه پنجم: بین میزان تحصیل در دانشگاه و نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه مستقیمی وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه، همبستگی میان متغیرهای میزان تحصیل در دانشگاه و نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی با استفاده از روش همبستگی اسپیرمن تحلیل شد.

جدول (۱۰) - رابطه بین متغیرهای میزان تحصیل در دانشگاه و نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی

مقدار معناداری	ضریب همبستگی	تعداد
۰/۴۹۲	-۰/۰۰۱	۲۶۲

همان گونه که در جدول (۱۰) مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین دو متغیر برابر با ۰/۰۰۱- است که مقدار بسیار کم و در عین حال منفی است. همچنین مقدار معناداری (۰/۴۹۲) از مقدار خطا ($\alpha = 0/05$) بیشتر است در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین میزان تحصیل در دانشگاه و نگرش نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی همبستگی وجود ندارد.

فرضیه ششم: بین علاقه به رشته تحصیلی و نگرش نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه مستقیمی وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه نیز، از روش همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

جدول (۱۱) - رابطه بین متغیرهای علاقه به رشته تحصیلی و نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی

مقدار معناداری	ضریب همبستگی	تعداد
۰/۰۰۰	۰/۳۴۶	۲۶۱

ضریب همبستگی بین دو متغیر علاقه به رشته تحصیلی و نگرش دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی برابر با $0/346$ است. مقدار معناداری به دست آمده ($0/000$) از مقدار خطای پذیرفته شده ($\alpha = 0/05$) کمتر است بنابراین با 95 درصد اطمینان می‌توان گفت بین میزان علاقه به رشته تحصیلی و نگرش نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه مستقیمی وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین میزان کتابخوانی دانشجویان قبل و بعد از ورود به دانشگاه تفاوت وجود دارد.

آزمون این فرضیه با استفاده از روش آماری ویلکاکسون انجام شد.

جدول (۱۲) - مقایسه میزان کتابخوانی قبل و بعد از ورود به دانشگاه

میانگین قبل از ورود	میانگین بعد از ورود	مقدار Z	مقدار معناداری
۳/۴۶	۳/۰۷	-۵/۵۳۳	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول (۱۲) مشاهده می‌شود، مقدار Z برابر با $-5/533$ و مقدار معناداری برابر با $0/000$ است. چون مقدار معناداری از مقدار خطای پذیرفته شده ($0/05$) کمتر است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان کتابخوانی قبل از ورود به دانشگاه با میزان کتابخوانی پس از ورود به دانشگاه تفاوت وجود دارد. با توجه به آن که مقدار Z منفی است و با مقایسه میانگین‌های قبل و بعد از ورود به دانشگاه می‌توان دریافت که میزان کتابخوانی دانشجویان پس از ورود به دانشگاه کمتر شده است.

نتیجه گیری و بحث

پژوهش حاضر نشان داد که از نظر دانشجویان به طور کلی دانشگاه "تا حدودی" در افزایش سطح کتابخوانی آنان نقش داشته است. بر این اساس عواملی از قبیل استادان، برنامه درسی، دوستان، کتابخانه‌های دانشگاهی، کارمندان کتابخانه، فعالیت‌های فوق برنامه، و انجمن‌های علمی و فرهنگی بنا بر عقیده دانشجویان آن گونه که شایسته است دانشجویان

را به سمت مطالعه کتاب سوق نداده اند. از آنجا که بین نگرش دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره و کتابداری در زمینه نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوتی مشاهده نشد، می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی نظر مشابهی در مورد نقش دانشگاه ابراز داشته‌اند و همگی نقش دانشگاه را در ترغیب افراد به مطالعه زیاد نمی‌دانند.

مقایسه میزان کتابخوانی دانشجویان پیش از ورود به دانشگاه و پس از ورود به دانشگاه نشان داد که بین میزان کتابخوانی دانشجویان قبل و بعد از ورود به دانشگاه تفاوت وجود دارد. وجود تفاوت در صورتی می‌تواند امیدوارکننده باشد که میزان کتابخوانی افراد بعد از ورود به دانشگاه افزایش یافته باشد، اما داده‌ها نشان می‌دهد که میزان کتابخوانی افراد پس از ورود به دانشگاه کمتر شده است. این یافته بدان معنی است که دانشگاه نتوانسته است دانشجویان را به گونه‌ای هدایت کند که برای تحصیل به منابع اطلاعاتی کتابی نیاز بیشتری داشته باشند و از این طریق دانش و مهارت خویش را بهبود بخشند. از دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی انتظار می‌رود در رشد و توسعه علمی نقش فعالی داشته باشد. همان‌گونه که گفته شد کتاب یکی از ابزارهای شناخت و کتابخوانی وسیله‌ای برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه اعضای یک جامعه است.

یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد که بین نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی تفاوتی وجود ندارد. در این صورت هر دو جنس برای دانشگاه نقش یکسانی قائل شده‌اند. در ضمن تفاوتی بین نگرش دانشجویان کارشناسی ارشد و دانشجویان کارشناسی در مورد نقش دانشگاه در کتابخوانی وجود ندارد. بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان، و میزان تحصیل آنان در دانشگاه با نگرش آنان نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی نیز رابطه‌ای به دست نیامد. لیکن بر اساس یافته‌های دیگر پژوهش بین علاقه به رشته تحصیلی و نگرش نسبت به نقش دانشگاه در کتابخوانی رابطه مستقیمی وجود دارد. بر اساس این یافته، دانشجویان علاقه‌مندتر معتقدند دانشگاه نقش بیشتری در کتابخوانی دانشجویان دارد. شاید بتوان گفت این‌گونه دانشجویان، به سبب علاقه‌ای که به رشته تحصیلی خود دارند، نسبت به محیط تحصیل، یعنی دانشگاه، علاقه

خود را تعمیم می دهند و از این رو نگرش خوبی نسبت به دانشگاه پیدا می کنند. این نگرش خوب نسبت به دانشگاه نزد دانشجویان علاقه مند سبب می شود که آنها، نگرش مثبت خود را به تمامی زمینه هایی که می تواند در ارتباط با دانشگاه باشد و از جمله نقش آن در ارتقای سطح کتابخوانی تعمیم دهند. این در حالی است که مطالعه دانشجویان نسبت به زمانی که به دانشگاه وارد نشده بودند، کاهش نشان می دهد.

پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی

به منظور ترغیب دانشجویان به مطالعه کتاب که خود ابزاری برای رشد همه جانبه افراد است، بر اساس یافته های پژوهش حاضر راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

۱- برنامه درسی دانشگاهی به گونه ای تنظیم شود که مطالعه کتاب مورد تأکید بیشتری قرار گیرد. از آنجا که دانشجویان به منظور گذراندن واحدهای درسی ملزم به مطالعه برخی از کتاب های تعیین شده و در برخی موارد جزوات درسی هستند، لذا به نظر می رسد باید در تنظیم برنامه درسی به گونه ای عمل شود که دانشجویان به مطالعه کتاب های متنوع و متعدد و نیز کتاب های غیردرسی ترغیب شوند.

۲- بهره گیری از روش های مستقیم تدریس در دانشگاه نیاز به مطالعه، تحقیق، جستجوی اطلاعات و دانش را کاهش می دهد. بنابراین بهتر است استادان دانشگاه در مواقع مقتضی از روش های غیر مستقیم تدریس همانند بحث گروهی، یادگیری اکتشافی، حل مساله، و نظایر آن استفاده کنند. استادان باید به عنوان راهنمای دانشجویان عمل کنند نه آنکه همانند سخنرانان آنچه را که می خواهند به دانشجویان بیاموزند، به طور مستقیم برایشان بیان کنند. روش های غیر مستقیم نه تنها باعث می شود دانشجویان مطالب را عمیق تر و بهتر درک کنند بلکه اعتماد به نفس آنان را افزایش می دهد و توانایی حل مسائل زندگی و کاری را بهبود می بخشد. این روشها دانشجویان را به مطالعه بیشتر ملزم می سازد.

۳- نقش کتابخانه های دانشگاهی در ایجاد عادت مطالعه دانشجویان و تداوم آن بر کسی پوشیده نیست. کتابخانه ها باید برای تحقق این منظور بکوشند منابع اطلاعاتی متنوع و

مفید را برای دانشجویان تدارک ببینند و با یاری دانشجویان، آنان را در دستیابی به منابع مورد نظر هر چه بیشتر یاری کنند. رفتار کارکنان کتابخانه نیز می‌تواند در این زمینه تا حد زیادی اثر گذار باشد.

۵- در برنامه‌ریزی فعالیت‌های فوق برنامه، در کنار سایر برنامه‌ها، برنامه‌هایی در نظر گرفته شود که دانشجویان را به مطالعه تشویق می‌کند. برگزاری برنامه‌های فوق برنامه از جمله مسابقات کتابخوانی، همایش‌ها، جشنواره‌ها، و نظایر آن به گونه‌ای که بر مطالعه تأکید کند، سبب ترویج فرهنگ مطالعه در بین دانشجویان خواهد شد.

۶- انجمن‌های علمی و فرهنگی فعال در دانشگاه نیز باید بکوشند نقش فعال‌تری در توسعه دانش و مهارت‌های دانشجویان ایفا کنند. این انجمن‌ها می‌توانند با برنامه‌ریزی صحیح و تدارک برنامه‌هایی از قبیل کارگاه‌های آموزشی، هم‌اندیشی، جلسات نقد و بررسی، سخنرانی‌های دانشجویی مشارکت هر چه بیشتر دانشجویان در تولید علم را فراهم آورند و آنان را به مطالعه بیشتر ترغیب کنند که البته برای انجام این مأموریت نیازمند حمایت مسئولین دانشگاه هستند.

۷- پیشنهاد می‌شود این پژوهش در دانشگاه‌های دیگر نیز انجام شود، تا امکان مقایسه عوامل اثرگذار در دانشگاه‌های مختلف فراهم آید.

منابع

- احمدی، رحیم؛ دهبانی، فاطمه (۱۳۷۷). بررسی میزان مطالعات کتب درسی و غیردرسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان.
- اخوان بهابادی، محمدرضا (۱۳۷۵). نقش دبیران و پیشرفت تحصیلی در ایجاد گرایش به مطالعه در دانش‌آموزان سوم متوسطه دبیرستان‌های شهر تهران. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- اشرفی ریزی، حسن (۱۳۸۳). درآمدی بر مطالعه و نقش خدمات ویژه کتابخانه های عمومی در توسعه فرهنگ مطالعه. تهران: چاپار.
- اصغرنژاد، حسین (۱۳۸۰). بررسی وضعیت کتاب و کتابخوانی در ایران. پیام کتابخانه، سال یازدهم، شماره اول، صص ۶۱۳.
- امانی، غفور؛ آذر نوید، فریده (۱۳۸۰). کتابخانه‌های مدارس و نقش آنها در ایجاد عادت مطالعه در دانش‌آموزان. اردبیل: تراز.
- بابانژاد قصاب، حسین (۱۳۷۵). بررسی و مقایسه شیوه های رایج مطالعه و اثر آن در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان بابل. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- پریخ، مهدی. (۱۳۷۷). نقش آموزشی کتابخانه های دانشگاهی: مروری بر مباحث عمده و جریان شکل‌گیری. کتابداری و اطلاع‌رسانی. سال اول، شماره سوم. صص ۵۵-۳۶.
- تایه‌گیوی، فریدون (۱۳۷۶). بررسی کتاب و کتابخوانی در مدارس راهنمایی و متوسطه یاسوج. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد.
- دیانی، محمد حسین (۱۳۷۷). جایگاه منابع اطلاعاتی در فرآیند یادگیری دانشجویان دانشگاه فردوسی. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. دوره ۱، شماره ۳، صص ۷۸-۵۶.
- ربیعی، آزاده؛ یاوری، مریم و یوسفیان، احسان (۱۳۸۱). مهارت های مطالعه در دانشگاه. اصفهان: کنکاش.
- سالاری، علی؛ و دیگران (۱۳۷۰). پژوهشی پیرامون نقش عوامل شخصی و آموزشی در گرایش دانش‌آموزان به مطالعه غیردرسی سال تحصیلی ۱۳۶۹-۱۳۷۰. وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان یزد، شورای تحقیقات.

سلیمانی، حجت الله (۱۳۸۱). چگونگی افزایش نرخ مطالعه در جامعه با تاکید بر گرایش کودکان و نوجوانان به کتابخوانی. *فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی*. دوره ۳، شماره ۱۵ و ۱۶، صص. ۳۴ - ۲۵.

شعبانی، احمد؛ شفیعی پور مطلق، محمدرضا (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه میزان آگاهی دانشجویان از شیوه های مطالعه. *فصلنامه کتاب*، سال دوم، دوره چهاردهم، صص ۴۴ - ۳۶. قربانعلی زاده، حمیده (۱۳۷۹). *کتاب چیست؟ کتابخوان کیست؟ کتابخانه کجاست؟*. تهران: افاقی.

قریشی، زهره. (۱۳۸۳). بررسی نظر دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد درباره خواندن به قصد یادگیری، خواندن به قصد لذت، خواندن به قصد تصمیم گیری و دو اصل معقول اندیشی و کمترین کوشش. *کتابداری و اطلاع رسانی*. شماره چهارم، جلد هفتم. صص ۶۸ - ۴۳.

گارتون، آلوارو (۱۳۷۷). *سیاست ملی کتاب: راهنمای توسعه کتاب و کتابخوانی* (ترجمه محمد جعفرپوینده) تهران: کارنامه.

گلچوبی، تقی (۱۳۸۴). *بررسی وضعیت مطالعه آزاد دانش آموزان دوره متوسطه استان مازندران و شناسایی عوامل بازدارنده و ترغیب کننده مطالعه آنان*. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.

متولی، محمد (۱۳۷۶). *بررسی تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی بر خواندن، درک مطلب و سرعت یادگیری دانش آموزان کلاس های اول دبیرستان دخترانه شهرستان فردوس*. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

محسنی کبیر، طه؛ قدس، علی (۱۳۷۵). *چگونه عادت مطالعه را در کودکان، دانش آموزان، دانشجویان و خانواده ها ایجاد کنیم*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مراکز و روابط فرهنگی.

ملک پور، مختار؛ ندیمی، رسول (۱۳۷۹). *بررسی تأثیر روش های یادگیری و مطالعه مورد و پس ختام بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کلاس سوم راهنمایی شهر اصفهان*. *دانش و پژوهش*. سال اول، شماره سوم، صص ۱۰۰ - ۸۷.

منشی زادگان، امیرهوشنگ (۱۳۷۵). بررسی میزان علاقه‌مندی نوجوانان به مطالعه کتاب در استان سمنان. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شوراهای پژوهشی ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها، استان سمنان.

- Breivik, Patricia Senn.(1981). The Role of Libraries in the Search for Educational Excellence. *School Library Media Quarterly*. (Fall): 45-46.
- Revill, D. H. (1981). The Polytechnic Library and Individualized Learning. *Higher Education Review*. Vol13, No .3: 58-68.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی